



اندیشکده هریتج: تعهد زبانی به تجارت بین‌الملل از سوی اوپاما قابل قبول نیست

اندیشکده هریتج تأکید کرد برنامه‌های کمکی آمریکا برای توسعه بین‌المللی نیازمند همکاری بیش از وعده‌های اوپاما و آمریکا باید با پیشبرد مذاکرات بین‌المللی، تعهد خود را به پیشبرد این برنامه‌ها نشان دهد.

اندیشکده هریتج تأکید کرد برنامه‌های کمکی آمریکا برای توسعه بین‌المللی نیازمند همکاری بیش از وعده‌های اوپاما و آمریکا باید با پیشبرد مذاکرات بین‌المللی، تعهد خود را به پیشبرد این برنامه‌ها نشان دهد.

به گزارش خبرنگار دیپلماسی عمومی خبرگزاری فارس، "هله دیل" (Helle Dale) پژوهشگر آمریکایی در مقاله‌ای که در پایگاه اینترنتی "هریتج" منتشر شد، با بررسی برنامه‌های آمریکا برای کمک به توسعه بین‌المللی، وعده‌های کلامی "اوپاما" را برای پیشبرد این کمک‌ها و همچنین تجارت آزاد جهانی ناکافی خواند.

وی در این مقاله نوشت: قرار است "قدرت هوشمند" تفسیر ابزارهای قدرتی نرم و سخت سیاست خارجی به سبک هگل باشد ولی در واقعیت، معمولاً به معنی کم ارزش کردن قدرت سخت به نفع قدرت نرم است و این دقیقاً همان اتفاقی است که امروزه در آمریکا جریان دارد، قدرت هوشمند با امضای "بخشنامه سیاست‌گذاری ریاست‌جمهوری" درباره توسعه جهانی توسط اوپاما در 22 سپتامبر بطور رسمی در سیاست‌های آمریکا اعمال شد.

همکاری آمریکا در توسعه جهانی ابزاری برای قدرت نرم است

دیل در این مقاله می‌افزاید: این سند، همکاری آمریکا در توسعه جهانی را که ابزاری برای قدرت نرم است، تا سطح یکی از اصلی‌ترین ارکان سیاست امنیت ملی اوپاما بالا می‌برد و همچنین به "آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا" (U.S. Agency for International Development) نقشی بسیار برجسته‌تر در ترکیب‌بندی سیاست‌گذاری‌های آمریکا می‌بخشد.

به گفته این نویسنده، این سند تعیین‌کننده که بر اساس استراتژی امنیت ملی دولت اوپاما قرار دارد، قدمی است به سمت تحقق "بازبینی چهارساله توسعه و دیپلماسی" دولت اوپاما که تنظیم آن بیش از یک سال طول کشیده است. مقامات ارشد دولت اوپاما نیز در "همایش رهبری جهانی آمریکا" (the U.S. Global Leadership Conference) در واشنگتن از این عقیده خود دفاع کردند که توسعه، به عنوان جنبه‌ای از قدرت نرم، نقشی حیاتی در افزایش امنیت ملی آمریکا ایفا می‌کند.

وی افزود: متأسفانه، در حالی که پروژه‌های "آماده شروع" کمکی دولت آمریکا برای داخل کشور نمی‌توانند موتور اقتصاد آمریکا را به سرعت به حرکت درآورند، کمک‌های دولتی رسمی به دولت‌های خارجی و گروه‌های غیردولتی هم نمی‌توانند چالش‌های سیاست خارجی بسیار مهم، مانند مناقشات استراتژیک بین کشورها، مهار کشورهای سرکش، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم یا منازعات تجاری بین‌المللی را حل نماید.

این تحلیلگر هریتج با بیان این مطلب که اوپاما جزئیات بخشنامه سیاست‌گذاری ریاست‌جمهوری در مورد توسعه جهانی را در سخنرانی خود در "اجلاس اهداف توسعه هزاره" سازمان ملل آشکار کرد، نوشت: اوپاما در این سخنرانی وعده داد که نه تنها اهداف مهم توسعه هزاره را محقق سازد، بلکه حتی از آن‌ها هم فراتر رود. وی یک بار دیگر نیت خود را برای اتکای بیش از پیش به موسسات بین‌المللی به نمایش گذاشت که به گفته "کیم هولمز" (Kim Holmes) و "جیمز کارافانو" (James Carafano) از "بنیاد هریتج" (Heritage Foundation)، قطعات اصلی در اصول نوظهور اوپاما هستند.

در ادامه این مقاله مشخصه‌ها و نکات اصلی بخشنامه سیاست‌گذاری ریاست‌جمهوری آمریکا چنین بیان شده است:

- اعتقاد راسخ به این امر که دیپلماسی، دفاع و توسعه برای تقویت و تکمیل یکدیگر ساخته شده‌اند
- تعهد طولانی‌مدت به بازسازی آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا
- استراتژی توسعه جهانی، که هر چهارسال یک‌بار به رئیس‌جمهور تسلیم شود

همچنین این تحلیلگر هریتج سه طرح عمده مرتبط با توسعه آمریکا را نیز چنین بیان کرده است:

1- طرح سلامت جهانی تاثیر تلاش‌های آمریکا برای تامین سلامت در سطح جهان را از طریق ارتقاء درمان بیماری‌ها، مداخله و افزایش سرمایه‌گذاری برای تقویت سیستم‌های بهداشتی، بهبود سلامت مادر و کودک، رسیدگی به بیماری‌های نادیده گرفته شده

مناطق گرم‌سیری، و افزایش تحقیق و توسعه در این زمینه گسترش می‌دهد.

2- هدف از طرح "تامین غذای آینده"، ارتقاء نگرشی فراگیر نسبت به تامین غذا از طریق افزایش رشد اقتصادی و بالا بردن درآمدها بوسیله افزایش تولیدات کشاورزی و دسترسی به بازار برای مردم فقیر روستایی و بهبود تغذیه است.

3- طرح "تغییر جهانی آب و هوا" مسائل مربوط به تغییر آب و هوا را با استراتژی کمک خارجی آمریکا درهم می‌آمیزد تا آینده‌ای "کم‌کربن" (low-carbon) بیافریند و جوامعی پایدار و جهنده در دهه‌های آتی به وجود آورد.

این کارشناس تأکید کرده است که افزایش کمک‌های مالی مردمی و کمک‌های مالی بیشتر بخش خصوصی برای تحقیق‌های توسعه‌محور باید از طریق ذیل صورت گیرد:

- جذب سرمایه بر روی شیوه‌های جدید نوآوری و عملی کردن شیوه‌های پایدار
- استفاده از رهبری آمریکا - دوسویه و چندسویه - برای پرورش، معرفی و تشویق نوآوری
- افزایش برنامه‌های دانش و فناوری در کشورهای در حال توسعه و رفع موانع موجود بر سر راه بخش خصوصی در مسیر نوآوری
- سرمایه‌گذاری در بخش توسعه برای پیشبرد رشد اقتصادی و حکومت دموکراتیک و همچنین به منظور تسهیل در برقراری ثبات در کشورهای که مناقشه‌ای را پشت سر گذاشته‌اند.
- تأکید بر مالکیت کشور و مسئولیت‌پذیری برای برنامه‌ها، به همراه شفافیت، حکومت خوب و جوابگویی. بدین معنی که نخست طرح‌های توسعه طبق اولویت‌ها و برنامه‌های کشور دریافت‌کننده کمک ساخته شوند و دوم اینکه کشور دریافت‌کننده کمک به رسیدن به توسعه از طریق موسسات ملی تشویق شود.

دیل در ادامه مقاله خود می‌نویسد: باید به این نکته نیز اشاره کرد که سه حوزه اصلی سرمایه‌گذاری ذکر شده در این بخشنامه، یعنی سلامت جهانی، امنیت غذایی و تغییر آب و هوا، به عنوان هسته اصلی استراتژی توسعه، همگی نگرانی‌های واکنشی هستند، هیچ یک از این موارد آن نوع توسعه اقتصادی را که کشورها را از فقر کامل نجات دهد و استانداردهای زندگی را بالا ببرد، تامین نمی‌کند؛ هرچند که یارانه‌هایی برای نوآوری‌های فناوری می‌تواند تا زمانی که این یارانه‌ها ادامه دارد، تا حدودی رشد اقتصادی را در پی داشته باشد.

به گفته وی، با این حال این بخشنامه به همان شیوایی که اوباما در سخنرانی خود در سازمان ملل از توسعه اقتصادی و تجارت دفاع کرد، نبوده است. اوباما در آن سخنرانی گفت: "ما می‌دانیم که امکان رونق یافتن کشورها هنگامی افزایش می‌یابد که دولت‌ها از کارآفرینی پشتیبانی کنند، در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری نمایند و تجارت را گسترش داده و از سرمایه‌گذاری استقبال کنند". این سخن کاملاً صحیح است؛ ولی باید حقیقتاً در سیاست خارجی آمریکا گنجانده شود.

عضو ارشد بخش دیپلماسی مردمی "مرکز داگلاس و سارا هریسون" (Douglas and Sarah Allison Center) بنیاد هریتنج نوشت: وزارت امور خارجه آمریکا بلافاصله به این مسئله اشاره کرد که خود آمریکا هم، تا حدودی به عنوان یک آژانس هماهنگ‌سازی سراسری و تا حدودی هم به این دلیل که آمریکا همواره ریاست مذاکرات بین‌المللی درباره پیمان‌های مربوط به حفظ منابع طبیعی و مشترکات جهانی را به عهده دارد، در این زمینه نقشی مهم دارد.

دیل افزوده است: در واقع، سال‌های پیش‌رو سال‌هایی طلایی برای وزارت خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا خواهند بود، این دو ارگان، جزئی از معدود برندگان بودجه درخواستی اوباما برای سال 2011 بودند، این درخواست بودجه شامل افزایش هنگفت کمک‌های خارجی - 41.3 میلیارد دلار - نسبت به بودجه بوش برای سال 2009 - 26.1 میلیارد دلار - بوده است، علت این افزایش چشم‌گیر روشن است: این مبلغ از هزینه‌های دفاعی کاسته شده و به وزارت خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا اختصاص می‌یابد. این مسئله با رضایت "رابرت گیتس" وزیر دفاع آمریکا صورت می‌گیرد که از سال 2007 به طور مداوم تمایل خود را برای محول کردن مسائل مربوط به ارتباطات و بازسازی به وزارت خارجه ابراز کرده است.

وی ادامه داد: با این حال، برخی این سوال را مطرح می‌کنند که آیا دولت اوباما معیاری برای ارزیابی تأثیر این افزایش‌های هنگفت در کمک‌های توسعه‌ای رسمی دارد یا خیر. در جولای 2009، جان کری رئیس "کمیسیون روابط خارجی" و "ریچارد لوگر" سناتور برجسته سنای آمریکا "لایحه احیا و جوابگویی کمک‌های خارجی" را برای ارزیابی میزان تأثیر کمک‌های خارجی را از طریق "شورای پیشنهادی تحقیق و ارزیابی کمک‌های خارجی" معرفی کردند. آن‌ها در زمان معرفی این لایحه گفتند: "ما به شیوه بهتری برای ارزیابی این که کدام برنامه‌های توسعه موفق هستند، کدام کمترین تأثیر را دارند، و چه عواملی تعیین‌کننده موفقیت یا شکست این برنامه‌ها هستند، نیازمندیم. سیستم کنونی ما توانایی چنین تحلیلی را ندارد".

تأکید آمریکا بر بازبینی چهارساله توسعه و دیپلماسی

به گفته دیل، هنگامی که این گزارش سرانجام عملی می‌شود، برای آنکه به یک استراتژی موفق تبدیل شود، باید تقسیم کار معناداری را بین وزارت امور خارجه، آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا و پنتاگون برقرار کند. دیدگاه ترکیب‌گر "قدرت نرم" سعی بر حذف تمایزات، نقش‌ها و مسئولیت‌هایی دارد که باید به منظور کارآمد بودن، به وضوح مشخص شوند. قدرت نرم همچنین باید بطور مستقیم در اهداف سیاست‌های خارجی آمریکا منعکس شود. در واقع، حتی امروزه هم سنگین‌ترین مخارج کمک‌های توسعه‌ای رسمی دولت آمریکا در کشورهایی است که آمریکا در آن‌ها مشغول مبارزه با اسلام‌گرایی افراطی است. این کشورها همان جایی است که این استراتژی باید در آن بیش از هر جای دیگری متمرکز شود.

وی در ادامه می‌افزاید: در گزارش بازبینی چهارساله توسعه و دیپلماسی باید اهمیت برنامه‌های کمکی بر اساس عملکرد و حکومت خوب - مانند "شرکت چالش هزاره" - منظور شود و همزمان که این برنامه دامنه کار و برتری کمک‌های توسعه‌ای آمریکا را افزایش می‌دهد، گام به گام با آن پیش برود، اقداماتی برای جواب‌گویی باید در همه این برنامه‌ها اعمال شود. سرمایه‌گذاری برای برنامه‌های کمک‌های توسعه‌ای سنتی که آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا بر آن نظارت دارد، باید به تدریج کاهش یافته و به سمت برنامه‌های شرکت چالش هزاره تغییر مسیر یابند.

دیل در انتهای مقاله خود می‌نویسد: علاوه بر این، دولت آمریکا باید رکود و کاهش بودجه دفاعی را متوقف کند که طی دهه آینده، نخواهد توانست نیروی نظامی را ایجاد کند که توانایی حفظ ثبات بین‌المللی و مواجهه با تهدیدهای جدیدی را داشته باشد که آمریکا را هدف قرار می‌دهند. سرانجام آن که دولت آمریکا باید از طریق تکمیل قراردادهای پیشین درباره تجارت آزاد با کلمبیا، کره جنوبی و پاناما و همچنین با حمایت از ادامه مذاکرات سازمان تجاری جهانی در دوحه، از نو خود را به مذاکرات تجاری بین‌المللی متعهد کند. تعهد زبانی به تجارت بین‌الملل از سوی رئیس‌جمهور آمریکا قابل قبول نیست.